

حرمت داشت عزای سیدالشهدا علیه السلام

دو برادر بودند در تهران، یکی دکتر جهانشاه صالح و دیگری دکتر اللهیار صالح. اولی پزشک بود و دومی حقوقدان. روزی اللهیار سر کلاس درس دانشگاه این جریان را برای شاگردهایش نقل کرد که: وقتی من در امریکا تحصیل می کردم کسالتی پیدا کرده بودم و پیوسته به طبیب مراجعه می کردم ولی بهبودی حاصل نمی شد تا آن که شبی مجلس جشنی در دانشگاه بود و من هم دعوت بودم ...

قرار بود رفیقم که اهل امریکا بود دنبالم بیاید و با هم برای شرکت در آن مجلس برویم. اصلاح کردم و حمام رفتم و لباس مهمانی پوشیدم، از هر جهت آماده و منتظر بودم تا رفیقم بیاید. همین طور که در انتظار آمدن او نشسته بودم، تقویم رومیزی ام را ورق می زدم و نگاه می کردم ببینم چه وقت سال و ماه است - چون آن جا سرو کارمان با تاریخ میلادی بود و توجهی به ماه های قمری نداشتیم - یک مرتبه دیدم امشب شب عاشورا است؛ تا چشمم به عاشورا افتاد حالم تغییر کرد، خیلی منقلب شدم و شروع کردم به گریه کردن. دیری نپایید که رفیقم آمد. تغییر حالم را متوجه شد و گفت: چه شده؟ چرا گریه کردی؟ گفتم: من توجه نداشتم امشب شب عاشورای ماست؛ فردا روز کشته شدن پسر دختر پیامبر ماست و برای ما روز عزاست. من امشب به مجلس جشن نمی آیم، شما بروید. او رفت، من هم لباس مهمانی را از تنم بیرون آوردم و مختصر غذایی خوردم و شروع کردم برای خودم روضه خواندن و گریه کردن. خوابیدم و در عالم رویا شرفیاب محضر حضرت صدیقه علیهاالسلام شدم. فرمودند: برای پسر ما عزاداری کردی، آمده ایم از تو تشکر کنیم و آن کسالت و بیماری تو را هم شفا دادیم. از خواب بیدار شدم؛ این چه خوابی بود که دیدم. خواب بوده یا بیداری!! پس از این خواب به دکتر مراجعه کردم، گفت در این مدت چه کردی؟ گفتم: هیچ، مگر چه شده؟ گفت: هیچ اثری از بیماری در تو نیست.^۱

در اهمیت حفظ حرمت عزای حضرت سیدالشهداء علیه السلام، این روایت قابل تأمل است: هنگامی که یک سالگی امام حسین علیه السلام تمام شد، دوازده فرشته بر پیامبر خدا فرود آمدند ... که صورتشان (برافروخته و) قرمز و چشمانشان گریان بود و بال های خود را گسترده بودند و می گفتند: ای محمد! به زودی

^۱ - بحرینی، سیدمجتبی (۱۳۸۹). اینجا کربلاست، ج ۱، ص ۲۶. نشر یوسف فاطمه علیهماالسلام

بر سر حسین، فرزند فاطمه، آن خواهد آمد که قابیل بر سر هابیل آورد و پاداش هابیل را به او خواهند داد و مانند گناه و مجازات قابیل بر سر قاتل او خواهد آمد و (در این حال) **وَلَمْ يَبْقَ فِي السَّمَاوَاتِ مَلَكٌ مُّقْرَّبٌ إِلَّا وَنَزَلَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كُلُّ يُقْرِئُهُ السَّلَامَ** در آسمان‌ها، فرشته مقرب نمی‌ماند، جز آن که همگی بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود می‌آیند و به ایشان سلام می‌کنند **وَيُعَزِّيهِ فِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ** و عزای حسین علیه السلام را به تسلیت می‌گویند **وَيُخْبِرُهُ بِثَوَابِ مَا يُعْطَى** و پاداش اعطایی به (امام) حسین علیه السلام را به ایشان خبر می‌دهند **وَيَعْرِضُ عَلَيْهِ تَرْبَتَهُ** و تربت او را به پیامبر عرضه می‌کنند **وَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: وَ پيامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید **اللَّهُمَّ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَأَقْتُلْ مَنْ قَتَلَهُ، وَلَا تُمَتِّعْهُ بِمَا طَلَبَهُ** «خدایا! هر کس او را وا گذاشت، وا بگذارش او هر کس او را کشت، بکشش و از آنچه می‌طلبد، بی‌بهره‌اش بگذار.»^۳**

^۲- به نظر می‌رسد سبک شمردن و عدم اهمیت قائل شدن برای عزای سیدالشهداء علیه السلام از مصادیق وا گذاشتن و کوتاهی در این امر به حساب می‌آید و عجیب است که اولین کلام پیامبر رحمت بعد از این تعزیت‌ها اشاره به این سبک شماری نور چشم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد.

^۳- الملهوف، ص ۹۲؛ مقتل الحسین علیه السلام، خوارزمی: ج ۱، ص ۱۶۳